

سید عبدالمجید جلایی*

سمانه دربندی**

چکیده

منطقه‌گرایی و میل به ایجاد اتحادیه اقتصادی روز به روز گسترش یافته است. مفهوم منطقه‌گرایی به یک تمرکز جغرافیایی خاص نیاز دارد. مقاله حاضر به بررسی هم‌گرایی اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس از منظر شاخصهای کلان بین‌الملل می‌پردازد. هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند به طور اختیاری با دیگر کشورها بر اساس درکش از موقعیتها و یا تهدیدها اتحاد ببندد. در یک منطقه‌گرایی، هم‌تهدید و هم‌فرصت وجود دارد. تهدیدها از امکان منزوی شدن در یک اقتصاد جهانی ناشی می‌شود. اما فرصتها ناشی از دو هدف مدرنیزه شدن و توسعه سریع‌تر، می‌باشد. با هم‌گرایی اقتصادی شانس بیشتری برای جذب سرمایه و فناوری خارجی وجود دارد و در نتیجه بهره‌وری و درآمد افزایش می‌یابد و سطح کیفی زندگی بهتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای، شاخصهای اقتصاد کلان بین‌الملل،

کشورهای حوزه خلیج فارس

* استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

** کارشناس آموزشی و پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۳-۵۷

اهمیت امور اقتصادی در تاریخ بشر امری انکارناپذیر است. تمدن بشری محصول کار و تلاش انسان برای بهتر زیستن است و در این میان نباید از اهمیت تاثیر عوامل اقتصادی غافل بود. هم‌گرایی اقتصادی، در واقع، نوعی تمدن را به دنبال خواهد آورد که ورای وابستگی بیشتر انسانها به یکدیگر و ایجاد محدودیتهای خاص خویش، جلوه‌ای از رفاه را نیز عاید جوامع بشری می‌کند. توسعه همکاریهای اقتصادی در میان کشورهای حوزه خلیج فارس طی سالهای اخیر بسیار مورد توجه بوده است. این هم‌گرایی اقتصادی موجب تحرک بخشیدن به همکاریهای بازرگانی و اقتصادی میان اعضا و به علاوه باعث سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورهای واقع در منطقه در نظام تجارت بین الملل خواهد شد. البته در مراحل تکاملی، ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای، سطح توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها حائز اهمیت ویژه‌ای است. کشوری ممکن است از لحاظ اقتصادی و توانمندیهای مادی آمادگی این هم‌گرایی منطقه‌ای را داشته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز ایجاد نشده باشد، بنابراین در صورت حضور در ترتیبات منطقه‌ای، عدم توسعه سیاسی و یا ناهماهنگی سیاسی با دیگر اعضا ممکن است مانع کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. بدین خاطر است که این فرآیند، فرآیندی چندوجهی است و باید به طور متوازن در سطوح سیاسی، اقتصادی و غیره مورد توجه قرار گیرد. این توازن در رابطه با سطوح مختلف توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. به تازگی شاهد بودیم که شورای همکاری خلیج فارس که مشتمل بر شش کشور بحرین، قطر، کویت، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است، با هدف همکاری نزدیک‌تر میان اعضا و حضور قدرتمندتر در عرصه اقتصاد جهانی، استفاده بهینه از داراییهایشان - که به طور عمده برای خرید سهام شرکتهای غربی، دلار و اوراق قرضه دولت آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد - و کسب امتیازات بیشتر در بازیهای سیاسی و اقتصادی بین الملل، بازار مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس را راه‌اندازی کردند. برخی از پژوهشگران راه‌اندازی این بازار را اقدامی مشابه بازار مشترک اتحادیه اروپا می‌دانند. از طرف دیگر، هم‌زمان با تند شدن لفظ‌گفتگوهای ایران و آمریکا و رد و بدل ادبیات تهاجمی میان آنان، کشورهای عضو شورای

همکاری خلیج فارس مشغول تهیه سیاست راهبردی برای ارتباط با تهران و طراحی یک مسیر اقتصادی با هدف بهبود روابط با همسایگان خود شدند. پس از طرح پیشنهادی ایران مبنی بر افزایش روابط اقتصادی و همکاریهای سیاسی، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با هدف ایجاد منطقه آزاد تجاری، با ایران وارد مذاکره شدند و عکس العمل مثبتی نشان دادند. از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که افزایش قیمت نفت باعث متنوع سازی اقتصاد کشورهای منطقه شده است، تاجایی که تاکید بر یک پارچگی اقتصادی، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به سوی تأسیس یک اتحادیه گمرکی در ژانویه ۲۰۰۳ سوق داد و در سال ۲۰۰۵، همگی به منطقه تجارت آزاد عربی پیوستند. مقاله حاضر، شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل اثرگذار بر منطقه گرایی کشورهای حوزه خلیج فارس را که به نوبه خود توانمندیها و استعدادهای آنها را در ایجاد هم پیوندی اقتصادی کارآمد نشان می دهد، مورد ارزیابی قرار می دهد.

یک پارچگی اقتصادی و انواع آن

بیان تعریف صریحی از یک پارچه سازی اقتصادی دشوار است. به هر حال، یک پارچه سازی اقتصادی اصطلاحی برای توضیح این مطلب است که چطور ابعاد متفاوت بین اقتصادها یک پارچه می شوند. اساس این تئوری توسط بلا،^(۱) اقتصاددان مجاری، در ۱۹۶۰ نوشته شد. هنگامی که یک پارچه سازی اقتصادی افزایش می یابد، موانع بین بازارها نیز تقلیل پیدا می کند. استیون اثبات کرد که هر نوع نظم و طرحی در کشورهایی که با هماهنگ کردن تجارت، سیاستهای مالی و پولی موافقت می کند، به یک پارچگی اقتصادی مربوط می شود.^۱ افراد زیادی توضیح می دهند که یک پارچگی اقتصادی فرآیندی است که در آن مرز بین کشورها ناپیوسته می گردد و در نتیجه سیستم جامع تری شکل می گیرد.^۲ در این رابطه وینر اشاره کرده است که یک پارچگی اقتصادی منطقه ای می تواند به وسیله کم کردن موانع تجاری بین کشورهای همسایه، هم باعث ایجاد و هم جهت دادن به تجارت برای توانمندسازی

1. Bela

تدریجی تجارت بین‌المللی شود. طبق نظریه مارشال، یک پارچگی به عنوان نتیجه توسعه از یک پارچگی به عنوان وسیله‌ای برای توسعه متمایز است. اقتصاد منطقه‌ای می‌تواند از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فناورانه گذشته‌نمویدا کند و یا می‌تواند محصول تلاش‌های آگاهانه اجتماعات انسانی باشد که در مجموع برای فراهم کردن شرایط اقتصادی به عنوان یک انتخاب سیاسی فعالیت می‌کنند.^۳ بورنان اعتقاد داشت که یک پارچگی اقتصادی اغلب اوقات مقدمه‌ای است برای ارایه قوانین و اصول همگنی که رفتارها را در یک منطقه خاص کنترل می‌کنند. هیل یک پارچگی منطقه‌ای را به عنوان فرآیندی یکی کردن ساختارهای صنعتی، اقتصادی و سیاست‌های اداری و اجرایی کشورهای عضو در نظر می‌گیرد. چنین فرآیندی که به وسیله شناسایی رفاه اقتصاد ملی پیش می‌آید، می‌تواند به طور موثر از طریق مشارکت بهبود یابد تا از طریق سیاست یک طرفه در سطح هر کشوری. یک پارچگی اقتصادی می‌تواند به عنوان همراهی دو یا چند کشور جهت بهبود برابری اقتصادی دو طرفه، دستیابی به رشد اقتصادی به وسیله هماهنگ کردن سیاست‌های مالی و تخصیص منابع، تعیین حدود مرزهای منطقه‌ای برای منافع چند سویه، تعریف شود. عثمان نشان داد که سیاست تجاری به طور برجسته‌ای در راهبرد صنعتی و توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه نمایش داده می‌شوند.^۴ انتخاب راهبرد توسعه کلی، ارتباطات تجاری بین اقتصادهای داخلی و بقیه جهان را شکل می‌دهد، در حالی که کشورها تمایل طبیعی به تجارت در بازارهای منطقه‌ای دارند. میزان معنی‌داری از کار تجربی، ارتباط نزدیک بین سطح اقتصاد کلان کشور و سیاست‌های تجاری و اثر این سیاست‌ها بر تجارت کلی و رشد عملکرد را نشان داده‌اند.^۵ پیگیری یک پارچگی منطقه‌ای بر اهمیت تجارت بین‌الملل در فرآیند توسعه دلالت دارد.^۶ بیشتر نوشته‌های متداول، شکست الگوهای یک پارچگی قدیمی را مطرح می‌کنند.^۷ موانعی وجود دارند که مانع یک پارچگی اقتصادی می‌شوند، مانند فرهنگ، ابعاد اقتصادی و مرحله توسعه کشورهای عضو و فقدان تمایل سیاسی برای حل تضاد بین هزینه‌ها و منافع یک پارچگی کشورها. استیون درجات متفاوتی از یک پارچگی را بیان می‌کند. به یقین درجه ارتباط یک پارچه به اطمینان دو طرفه، علاقه مندی مشترک و مسئولیت‌پذیری بستگی دارد. موصاد

اشاره کرد که یک پارچگی اقتصادی، ارتباطی بین افراد است. آنان به طور ایده آل بر اساس علاقه مندیهای مشترک، اعتماد دوطرفه و تعهد به ادامه ارتباط، با یکدیگر یک پارچه می شوند.^۸ شش نوع یک پارچه سازی اقتصادی وجود دارد:

۱. موافقت نامه های تجارت ترجیحی:^(۱) یکی از ابتدایی ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه ای است که شرکت کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری شامل موانع غیر تعرفه ای و تعرفه ای، در ارتباط با بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می ورزند.

۲. مناطق آزاد تجاری:^(۲) در سطحی بالاتر از موافقت نامه های تجارت ترجیحی، مناطق آزاد تجاری وجود دارند که متداول ترین شکل ترتیبات تجاری منطقه ای به شمار می روند. در این نوع از ترتیبات منطقه ای کشورهای عضو به جای کاهش موانع تجاری تعداد محدودی کالا، به حذف موانع تجاری تمامی کالاها و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می نمایند.

۳. اتحادیه گمرکی:^(۳) پس از مناطق آزاد تجاری، شکل پیشرفته تر منطقه گرایی اتحادیه گمرکی است. اتحادیه گمرکی نوعی ترتیب منطقه ای است که اعضا علاوه بر حذف موانع تجاری در بین یکدیگر، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در مقابل غیراعضا اقدام می کنند. اعضا اختیار تدوین مستقل سیاست تجارت خود را در سطح ملی از دست داده و به اتفاق دیگر اعضا سیاست تجاری یکسانی را در قبال غیراعضا اتخاذ می کنند.

۴. بازار مشترک:^(۴) در بازار مشترک اعضا به آزادسازی جابه جایی عوامل تولید در بین یکدیگر اقدام می کنند.

۵. اتحادیه اقتصادی:^(۵) در اتحادیه های اقتصادی، اعضا علاوه بر تامین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان سازی سیاستهای پولی، صنعتی، مالی، حمل و نقل و دیگر سیاستها اقدام می کنند. این سطح از هم گرایی علاوه بر آنکه نیازمند سطح بالایی از اراده

1. Preferential Trade Agreement (PTA)
2. Free Trade Area (FTA)
3. Customs Union
4. Common Market
5. Economic Union

سیاسی برای نیل به یک پارچگی در بین اعضاست، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و هم‌گونی شاخصهای اقتصادی اعضا را می‌طلبد.

۶. اتحادیه پولی:^(۱) این اتحادیه یک پول رایج مشترک به منظور کاهش ریسک مبادلات در بین کشورهای عضو ایجاد می‌کند و به دست آوردن مزیت‌های نسبی و مطلق در تجارت کالاها و خدمات در بین کشورهای عضو و بقیه جهان را تسهیل می‌نماید.

یک پارچگی اقتصادی فرآیندی تدریجی است که به طور دایم هماهنگی بین کشورهای عضو را افزایش می‌دهد. تحت این فرآیند، کشورهای عضو به طور موفقیت‌آمیزی مرحله به مرحله یک پارچه‌سازی را طی و به طور دایم فعالیت‌هایشان را ارزیابی می‌کنند، آن‌هم در حالی که شرایط تجارت، قوانین و نیازهای اجتماعی در محیط کسب و کار جهانی به سرعت تغییر می‌یابد. در رابطه با شاخصهای اندازه‌گیری هم‌گرایی تحقیقاتی صورت گرفته است تا بتوان با توجه به این شاخصها توانایی هم‌گرایی بین اعضا را بررسی نمود. بعضی از این شاخصها عبارتند از: شاخص توسعه انسانی، تولید ناخالص داخلی GNP، سطح درآمد سرانه، ساختار اقتصادی کشورها، جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی، شاخص آزادی اقتصادی، توسعه بخش خارجی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصادی، سهم کالای صنعتی ساخته شده صنعتی از صادرات اعضا، شاخص تمرکز و تنوع صادرات، جمعیت و ویژگی جغرافیایی.^۹

لازم به ذکر است که کشورهای فقیرتر نسبت به کشورهای ثروتمندتر، از منطقه‌گرایی بیشتر سود می‌برند^{۱۰} که یکی از شرایط مناسب برای رشد بیشتر کشورهای فقیر در هم‌گرایی اقتصادی، پیروی آنها از سیاستهای اقتصادی موثر قابل قبول تجارت باز و حمایت از حقوق مالکیت خصوصی است. در منطقه‌گرایی تهدیدها و فرصتهایی وجود دارند.^{۱۱} تحقیقات نشان داده که کشورهای یک منطقه که هم‌گرایی اقتصادی داشته باشند، می‌توانند با جذب سرمایه و فناوریهای جدید سطح رفاه جمعیت منطقه را بالا ببرند.^{۱۲} در این راستا شکل‌گیری خوشه‌ها و یافتن بازار جدید،^{۱۳} همچون فرصتها و مزوی شدن در اقتصاد جهانی^{۱۴} از جمله تهدیدهاست.

1. Money Union

شاخصهای پژوهش

ابتدا چندین شاخص مرتبط با اقتصاد کلان بین الملل با توجه به مبانی نظری انتخاب شد، اما طی مطالعات مقدماتی چندین شاخص به دلیل در دسترس نبودن آمار حذف شد، در نتیجه شاخصهای مقاله بالغ بر ۱۲ شاخص گردید. این شاخصها مرتبط با جغرافیا، اقتصاد، اقتصاد بین الملل و تجارت خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس است که عبارتند از:

۱. مزیت نسبی طبیعی جغرافیایی (ویژگی جغرافیایی)؛
۲. مزیت نسبی طبیعی جمعیتی (اندازه جمعیت)؛
۳. شاخص توسعه انسانی؛
۴. تولید ناخالص داخلی؛
۵. سطح درآمد سرانه؛
۶. ساختار اقتصادی کشورها؛
۷. جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی؛
۸. شاخص آزادی اقتصادی؛
۹. توسعه بخش خارجی اقتصاد؛
۱۰. درجه باز بودن اقتصادی؛
۱۱. سهم کالای صنعتی ساخته شده صنعتی از صادرات اعضا؛ و
۱۲. شاخص تمرکز و تنوع صادرات.

برای محاسبه و تحلیل از جدیدترین آمار قابل دسترس استفاده شده است.

۱. ویژگی جغرافیایی: ^{۱۵} نزدیکی جغرافیایی اعضا نه تنها باعث ارزان تر شدن و تسهیل مبادلات تجاری می شود، بلکه ممکن است برخی ویژگیهای مشترک از نظر منابع، آب و هوا و غیره را بین این کشورها به وجود آورد. البته فاصله جغرافیایی را نمی توان پدیده غیر متعارفی در گروه بندیها دانست، این فاصله جغرافیایی باعث پیچیده تر و مشکل تر شدن اداره یک گروه بندی منطقه ای می شود، ولی نمی تواند یک مانع مطلق باشد. کشورهای حوزه خلیج فارس از لحاظ گستره جغرافیایی در جنوب (ایران) و غرب (بحرین، کویت، قطر، عمان،

عربستان، و امارات متحده عربی) آسیا قرار دارند. در این گروه بندی منطقه ای اعضا به هم نزدیکند، هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی و هوایی) به مراتب پایین است و اعضا در واقع جزو شرکای تجاری طبیعی یکدیگر محسوب می شوند.

۲. میزان جمعیت: ^{۱۶} یک مسأله مهم، میزان کل جمعیت اعضای یک گروه بندی منطقه ای می باشد؛ چرا که کل جمعیت یک گروه بندی بر ساختار، پایداری، وزن و نقش آن در سطح بین المللی تاثیر گذار است. کشورهای حوزه خلیج فارس با دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۱۰۵۵۷۸۰۰۰ نفر، حدود ۱٫۷ درصد از جمعیت جهانی را در خود جای داده است. پیش بینی می شود بسیاری از اعضای این گروه طی سالهای ۲۰۱۵-۲۰۲۰ از نرخ رشد جمعیتی بالایی برخوردار باشند که در این میان نرخ رشد جمعیت امارات ۲٫۵ درصد و کویت ۲٫۲ درصد برآورد می شود و حال آنکه کشوری با نرخ رشد کمتر از ۱ درصد وجود ندارد. در واقع، متوسط نرخ رشد جمعیت ۱٫۷ درصد است که از متوسط نرخ رشد جهان که ۱٫۱ درصد می باشد، بیشتر است و انتظار می رود با این نرخ رشد سهم جمعیتی اعضای این سازمان از جمعیت جهان بیشتر شود. البته وزن کشورها و یا منطقه ها تنها با جمعیت آن ارزیابی نمی شود، بلکه این معیار در کنار قدرت اقتصادی و اندازه تولید ناخالص ملی مفهوم می یابد.

۳. شاخص توسعه انسانی: ^{۱۷} شاخص توسعه انسانی برای هفت کشور مورد نظر بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۷، در جدول شماره ۱ درج شده است. مطابق گزارش توسعه انسانی، کشورها به سه سطح از جنبه شاخص توسعه انسانی طبقه بندی می شوند:

الف. سطح توسعه انسانی بالا: کشورهایی که از سطح سواد، امید به زندگی و قدرت خرید پایه بالاتری برخوردارند، در این گروه جای می گیرند. شاخص توسعه انسانی این گروه بیش از ۰٫۸ می باشد. از هفت کشور مورد نظر، تنها ایران با اندکی تفاوت در این گروه قرار ندارد؛

ب. سطح توسعه انسانی پایین: کشورهایی که شاخص توسعه انسانی آنها کمتر از

۰٫۵ باشد؛

ج. سطح توسعه انسانی میانه: کشورهایی که شاخص توسعه انسانی آنها بین ۰٫۵ تا ۰٫۸ باشد که ایران در این دسته قرار دارد.
شاخص توسعه انسانی کشورهای مورد نظر تقریباً همگون و در سطح بالایی قرار دارد و متعاقباً هم گرایی منطقه‌ای راحت‌تر صورت می‌گیرد.

شاخصهای کلان اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس

۴. تولید ناخالص داخلی کشورها:^{۱۸} ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به عنوان معیاری برای امکان سنجی هم‌گرایی منطقه‌ای به کار برد، اندازه تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهاست. وقتی کشورها از نظر GDP به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد. در جدول ۲، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو بر حسب دلار آمریکا و PPP^(۱) برای سال ۲۰۰۷ درج شده است. مطابق جدول تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۷، برابر ۱۰۹۳۳۸۸ میلیون دلار آمریکا بوده است، در حالی که کل تولید ناخالص داخلی در جهان ۵۴۳۴۷۰۳۸ می‌باشد که با ضرب درصد جمعیت کشورهای عضو که ۱٫۷ درصد جمعیت جهان می‌باشد، عددی برابر ۹۲۳۸۹۹ حاصل می‌شود. در نتیجه، کل تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو در مقایسه با جمعیت جهانی به مراتب بالاتر است. در این میان، تولید ناخالص داخلی کشورهای ایران و عربستان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار است که در مجموع نزدیک ۶۶۷۲۴۲ میلیون دلار و بیش از ۶۰٪ از کل تولید ناخالص داخلی این سازمان را تشکیل می‌دهد. در مقابل، کشورهای بحرین، عمان و قطر از نظر تولید ناخالص داخلی کشورهای اثرگذاری محسوب نمی‌شوند. در واقع، کشورهای عضو از لحاظ تشابه اندازه تولید ناخالص داخلی در حد میانه قرار دارند.

۵. درآمد سرانه کشورها:^{۱۹} با توجه به جدول شماره ۲، بیش از نصف اعضا (۴ کشور) در سطح درآمد بالا و دو کشور در سطح درآمد بالاتر از متوسط و تنها یک کشور (ایران) در سطح درآمد کمتر از متوسط قرار دارند. به این ترتیب، اعضا از لحاظ سطح درآمد تقریباً ناهمگون

می باشند. هرچه کشوری از تولید سرانه بالاتری برخوردار باشد، دارای قدرت اقتصادی بالاتری نیز هست و در ترتیبات منطقه ای بهتر می توان با آنها همکاری کرد. طبق آمار ارایه شده، بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه به ایران و عربستان و کمترین آن به عمان و بحرین تعلق دارد. طبق اطلاعات جدول ۲، نرخ رشد سالانه تولید سرانه طی سالهای ۲۰۰۵-۱۹۹۰ برای امارات منفی بوده و حال آنکه بقیه کشورها نرخ رشد سالانه تولید سرانه شان کمی بیشتر از ۲ درصد می باشد و بدین ترتیب، عملکرد موفقی از اعضا مشاهده نمی شود. بالاترین تولید سرانه اعضا در سال ۲۰۰۵ بوده است که این نشان دهنده افزایش رفاه سرانه کشورها در مقایسه با دهه های قبل است.

۶. ساختار اقتصادی کشورها: ^{۲۰} جدول ۳ تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۷، ساختار اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشورهای عضو را برای سال ۲۰۰۵ نشان می دهد. در کشورهای ایران و بحرین خدمات تقریباً نیمی از GDP را تشکیل می دهند. می توان گفت: کشورهایی با درآمد سرانه پایین سهم کشاورزی از GDP بالا است و کشورهایی که درآمد سرانه بالایی دارند، سهم کشاورزی از GDP پایین است. در بسیاری از کشورها سهم صنعت از GDP چشمگیر می باشد. انتظار می رود کشورهای با اقتصاد بزرگ که سهم صنعت از GDP بالاست، بهتر بتوانند از جریان مبادلات تجاری دوجانبه و یا چندجانبه با دیگر اعضا بهره ببرند. در این میان، قطر با ۷۴٪ حداکثر سهم صنعت از GDP را دارد. از متغیرهای مهم اقتصادی، سهم تشکیل سرمایه ناخالص GDP است که هرچه این معیار بالاتر باشد، حکایت از آن دارد که آن کشور توانسته در توسعه کشور تلاش نماید و به رشد و شکوفایی اقتصادی دست یابد. در این میان، بالاترین نسبت مربوط به ایران ۲۱٫۱ و کمترین نسبت مربوط به کویت ۱٫۸ است. در کل، دامنه نسبت فوق بین کشورهای عضو چشمگیر نیست.

۷. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی: ^{۲۱} یکی از شاخصهای اصلی در جهت اندازه گیری همگونی و سطح پیشرفت یک کشور در بین کشورهای جهان، بررسی ساختار

جریانهای ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)^(۱) در این کشورهاست. وقتی که هدف FDI به کار بردن مزیت نسبی کشور میزبان و فروش آن به دیگر بازارهای بین المللی می باشد، به طور مستقیم فعالیت صادرات یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی طی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۰ برای هفت کشور عضو (بر حسب میلیون دلار) درج شده است (جدول شماره ۴). کل FDI ورودی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۰، برابر ۹۳۷ میلیون دلار بوده است که در مجموع ۰٫۰۷ درصد از کل FDI جهانی را تشکیل می دهد و این رقم در سال ۲۰۰۵ برابر ۲۰۱۴۱ می باشد که معادل ۲ درصد FDI جهان است. به طور کلی، کشورهایی که جریان ورودی FDI بیشتری دارند، در جهانی شدن اقتصاد و هم گرایهای منطقه ای مشارکت فعال تری ایفا می کنند. در سال ۲۰۰۵ بالاترین FDI مربوط به کشور امارات بوده است. در این میان شاخص عملکرد ایران در FDI ورودی پایین ترین بوده است.

۸. شاخص آزادی اقتصاد:^{۲۲} رتبه آزادی اقتصادی می تواند به عنوان یک عامل رقابت بین المللی مطرح گردد. موقعیت کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۰۸ در جدول شماره ۵ منعکس شده است. در بین کشورها، بحرین با کسب رتبه ۱۹، در صدر این کشورها قرار دارد. در حالی که ایران با کسب رتبه ۱۵۱ در انتهای رتبه هاست و از این رو در وضعیت بسیار بدی از لحاظ آزادی اقتصادی قرار دارد. بر اساس معیار آزادی اقتصادی، هر چه کشوری از قدرت بین المللی بالاتری برخوردار باشد، امکان و توانایی بالاتری جهت عضویت در اقتصاد منطقه ای دارد.

۹. توسعه بخش خارجی اقتصاد:^{۲۳} اندازه تجارت، واردات و صادرات یکایک کشورها در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. مطابق اطلاعات، کل تجارت این سازمان در سال ۲۰۰۰ برابر ۳۰۴۵۷۳ بوده که با ۴۰٪ رشد طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۶ به ۷۶۳۶۵۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسیده است. سهم این کشورها از کل تجارت جهانی از ۱٫۶۲۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش داشته

است. از میان کشورهای عضو کشورهای امارات و عربستان، هریک بیش از ۲۰ درصد از تجارت اعضا را در سال ۲۰۰۶ به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که بعضی از کشورها مانند عمان و بحرین کمتر از ۵ درصد تجارت اعضا را به خود اختصاص داده اند، که این گویای تجارتی ناهمگون در میان اعضاست. گفتنی است تمام اعضای سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۰، توانسته اند تجارتشان را تا حدود ۱۰۰ درصد افزایش دهند. کل صادرات کشورهای عضو در سال ۲۰۰۰ برابر ۲۰۴۰۷۸ میلیون دلار بوده است که در سال ۲۰۰۶ به ۴۸۶۲۱۲ رسیده است که ۴۱ درصد افزایش را نشان می دهد. واردات این کشورها از ۱۰۰۴۹۵ در سال ۲۰۰۰ به ۲۷۷۴۳۹ در سال ۲۰۰۶ رسیده است که ۳۶ درصد افزایش را نشان می دهد. این اطلاعات، بهبود هرچه بیشتر تراز پرداختی کشورهای عضو را نشان می دهد. هرچه اندازه تجارت کشورها به هم نزدیک باشد، امکان تجارت بین آنها بیشتر است و این در حالی است که اندازه تجارت کشورها شکل ناهمگونی دارد و در این بین، کشورهای عربستان و امارات از تجارت همگون تری برخوردارند و ایران در حد میانه سهم تجارت قرار دارد.

۱۰. باز بودن اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس:^{۲۴} درجه باز بودن اقتصاد با استفاده از تقسیم مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی کشورها محاسبه می شود (جدول شماره ۷). بر مبنای این شاخص هرچه این نسبت در کشوری بیشتر باشد، این کشور از اقتصاد بازتری برخوردار است و در کشوری که اقتصاد بازتری دارد، مبادلات تجاری از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و موقعیت مناسب تری جهت عضویت در هم پیوندی اقتصاد منطقه ای دارد؛ چرا که درجه باز بودن اقتصاد به معنی دسترسی آسان تر به بازار داخلی آن کشور است.

۱۱. سهم کالای ساخته شده صنعتی از صادرات:^{۲۵} جدول شماره ۸ سهم کالاهای خام و صنعتی از صادرات اعضا را نشان می دهد. اطلاعات حاکی از آن است که سهم چشمگیری از صادرات کشورهای مورد نظر را کالاهای خام (نفت خام) تشکیل می دهند. طی سالهای ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵، ساختار صادراتی کشورها خیلی تفاوتی نکرده است. در واقع، تک محصولی بودن بسیاری از اعضا و عدم تحول صادرات این کشورها، سبب شده است که

روابط دوجانبه و یا چندجانبه بین اعضا نتواند به طور قابل ملاحظه ای افزایش یابد.

۱۲. شاخص تنوع و تمرکز صادراتی و وارداتی:^{۲۶} شاخص تمرکز و تنوع صادرات برای کشورهای عضو در جدول شماره ۹ ارائه شده است. اگر شاخص تمرکز بالاتر از ۷۰٪ را تمرکز بالا و بین ۳۰٪ تا ۷۰٪ را تمرکز متوسط و کمتر از ۳۰٪ را تمرکز پایین بنامیم، در این صورت بر اساس اطلاعات ارائه شده در سال ۱۹۹۵، هیچ یک از کشورها از تمرکز پایین در صادرات برخوردار نیستند. طی یک دهه اخیر از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، در تمام کشورها شاخص تمرکز در صادرات کاهش داشته است.

نتیجه گیری

در گروه بندی منطقه ای کشورهای حوزه خلیج فارس، اعضا از لحاظ جغرافیایی به هم نزدیکند، هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل به مراتب پایین است و اعضا در واقع جزو شرکای تجاری طبیعی یکدیگر محسوب می شوند. در نتیجه، اعضا از لحاظ جغرافیایی دارای مزیت طبیعی برای هم گرایی می باشند. متوسط نرخ رشد جمعیت منطقه از متوسط نرخ رشد جهان بیشتر است و انتظار می رود با این نرخ رشد بیشتر، سهم جمعیتی اعضای این منطقه از جمعیت جهان بیشتر شود. شاخص توسعه انسانی کشورهای مورد نظر تقریباً همگن و در سطح بالایی قرار دارد و متعاقباً هم گرایی منطقه ای راحت تر صورت می گیرد. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو در مقایسه با جمعیت جهانی، به مراتب بالاتر است. هرچه کشوری از تولید سرانه بالاتری برخوردار باشد، دارای قدرت اقتصادی بالاتری است و در ترتیبات منطقه ای بهتر می توان با آنها همکاری کرد. بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه به ایران و عربستان تعلق دارد و کمترین آن به عمان و بحرین. همچنین کشورهایی که جریان ورودی FDI بیشتری دارند، در جهانی شدن اقتصاد و هم گراییهای منطقه ای مشارکت فعال تری ایفا می کنند. در سال ۲۰۰۵، بالاترین FDI مربوط به کشور امارات بوده است. در این میان شاخص عملکرد ایران در FDI ورودی پایین ترین بوده است. کشورهای امارات و عربستان هر یک بیش از ۲۰ درصد از تجارت اعضا را در سال ۲۰۰۶

به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که بعضی از کشورها مانند عمان و بحرین کمتر از ۵ درصد تجارت اعضا را به خود اختصاص داده اند که این گویای تجارتی ناهمگون در میان اعضاست. تمام اعضای سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۰ توانسته اند تجارتشان را تا حدود ۱۰۰ درصد افزایش دهند و تراز پرداختی کشورهای عضو بهبود یافته است. از طرفی هرچه اندازه تجارت کشورها به هم نزدیک باشد، امکان تجارت بین آنها بیشتر است و این در حالی است که اندازه تجارت کشورها شکل ناهمگونی دارد و در این بین کشورهای عربستان و امارات از تجارت همگون تری برخوردارند و ایران در حد میانه سهم تجارت قرار دارد.

در نهایت، تک محصولی بودن بسیاری از اعضا و عدم تحول صادرات این کشورها سبب شده است که روابط دوجانبه و یا چندجانبه بین اعضا نتواند به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، این گروه از کشورها اگرچه از نظر ساختاری و وابستگی به درآمدهای نفتی دارای تشابهاتی هستند، اما در برخی شاخصهای کلان اقتصادی از همگنی خاصی برخوردار نیستند و در نتیجه هم‌گرایی آنها در یک منطقه اقتصادی به سختی می‌تواند صورت گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که این گروه از کشورها در یک برنامه زمان‌بندی مشخص، می‌توانند خیلی سریع شرایط را برای هم‌گرایی خود مهیا نمایند؛ چراکه از نظر جغرافیایی، ساختار اقتصاد نفتی و تعامل با دنیای خارج از ویژگیهای مشترکی برخوردارند.

جدول ۱. روند شاخص توسعه انسانی در کشورهای حوزه خلیج فارس

نرخ رشد سالانه جمعیت ۲۰۰۵-۲۰۱۵	جمعیت ۲۰۰۶-۲۰۱۵ هزار	شاخص مربوط به توسعه جنسیت		تفاوت رتبه تولید سرانه و رتبه HDI	رتبه	شاخص توسعه انسانی	شرح
		رتبه	ارزش عددی				
۱,۳	۷۰۲۷۰	۸۳	۰,۷۵	۰	۹۴	۰,۷۶	ایران
۱,۷	۷۳۹	۴۲	۰,۸۶	-۲	۴۱	۰,۸۶	بحرین
۲,۲	۲۷۷۹	۳۲	۰,۸۸	۰	۳۳	۰,۸۹	کویت
۲	۲۵۴۶	۶۶	۰,۷۹	-۱۳	۵۸	۰,۸۱	عمان
۱,۹	۸۲۱	۳۷	۰,۸۶	-۳	۳۵	۰,۸۸	قطر
۰,۴	۲۴۱۷۵	۵	۰,۹۶	۱	۶	۰,۹۶	عربستان
۲,۵	۴۲۴۸	۴۳	۰,۸۶	-۵	۳۹	۰,۸۷	امارات

منبع:

Human Development Report (2005), United Nations Development Program, New York, NY.

جدول ۲. عملکرد اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس

سال مورد نظر	تولید سرانه بالاترین رقم	تولید سرانه ۲۰۰۵-۱۹۹۰ داخلی	نرخ رشد سالانه تولید داخلی سرانه ۲۰۰۵	تولید ناخالص برحسب دلار	تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۰۰۷		شرح
					PPT	دلار آمریکا	
۲۰۰۵	۲۱۶۷۱۳	۲,۳	۲,۳	۲۱۶۷۱۳	۷۵۲۹۷۶	۲۸۵۳۰۴	ایران
۲۰۰۵	۱۲۳۴۸	۲,۳	۲,۳	۱۲۳۴۸	۲۴۴۹۹	۱۹۶۶۰	بحرین
۲۰۰۵	۷۴۲۱۴	۰,۶	۰,۶	۷۴۲۱۴	۱۳۰۱۱۳	۱۰۲۰۹۵	کویت
۲۰۰۵	۳۰۲۶۹	۱,۸	۱,۸	۳۰۲۶۹	۶۱۶۷۰	۴۰۳۹۱	عمان
۲۰۰۵	۴۲۱۱۳			۴۲۱۱۳	۷۵۲۲۴	۷۲۲۵۶	قطر
۲۰۰۵	۳۱۴۰۲۱	۰,۱	۰,۱	۳۱۴۰۲۱	۵۶۲۵۶۱	۳۸۱۹۳۸	عربستان
۲۰۰۵	۱۳۳۷۵۷	۰,۹-	۰,۹-	۱۳۳۷۵۷	۱۶۷۲۹۶	۱۹۰۷۴۴	امارات

منبع:

UNCTAD, Hand Book of Statistics 2006-2007

جدول ۳. ساختار اقتصادی کشورهای عضو

تشکیل سرمایه از GDP (%)	ارزش افزوده / GDP در ۲۰۰۵		کشاورزی	نرخ رشد ۲۰۰۷-۲۰۰۸ GDP	تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۷	شرح
	خدمات	صنعت				
۲۱/۱	۴۸/۹	۴۰/۰	۱۱	۰/۷۳	۲۸۵۳۰۴	ایران
۲۳	۶۱/۳	۳۸/۱	۰/۶	۰/۹	۱۹۶۶۰	بحرین
۱۱/۸	۴۵/۷	۵۲/۹	۰/۴	۰/۹۳	۱۰۲۰۹۵	کویت
۱۷/۸	۴۴/۵	۵۳/۶	۱/۹	۰/۸۴	۴۰۳۹۱	عمان
۳۵/۶	۲۵/۷	۷۴/۱	۰/۱	۰/۹۴	۷۳۲۵۶	قطر
۱۷/۳	۴۱/۸	۵۳/۵	۴/۷	۰/۹۷	۳۸۱۹۳۸	عربستان
۲۰/۰	۴۵/۶	۵۱/۵	۲/۹	۰/۹۳	۱۹۰۷۴۴	امارات

منبع:

WORLD DEVELOPMENT INDICATORS database, World Bank, Revised to September 2008.

جدول ۴. جریان ورودی سرمایه گذار مستقیم خارجی در کشورهای عضو طی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۰

۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱۴۰۹۵۶۸	۸۳۲۲۴۸	۶۱۷۷۳۲	۵۵۷۸۸۹	۷۱۰۷۵۵	۹۱۶۲۷۷
۳۹	۶۱	۵۴۸	۴۸۲	۱۰۰	۳۰
۳۶۴	۸۰	۲۱۷	۵۱۷	۸۶۵	۱۰۴۹
۱۶	-۱۱۱	۳	-۶۷	۲۴	۲۵۰
۸۳	۵	۱۰۹	۴۸۹	۲۰۰	۷۱۵
۲۵۲	۲۹۶	۶۲۴	۶۲۵	۱۱۹۹	۱۴۶۹
۱۸۳	۵۰۴	۴۵۳	۷۷۸	۱۹۴۲	۴۶۲۸
-۵۱۵	۱۱۸۴	۱۳۰۷	۴۲۵۶	۸۳۵۹	۱۲۰۰۰

منبع:

UNCTAD, Hand Book of Statistics 2006-2007.

جدول ۵. شاخص آزادی اقتصادی و نماگرهای آن برای کشورهای عضو در سال ۲۰۰۸

نیروی کار	حقوق اموال فکری	بانکداری و تأمین مالی	سرمایه گذاری	پولی	اندازه دولت	فیزیکی	تجارت	آزادی کسب و کار	درصد آزادی (امتیاز کل)	رتبه
۲۷	۱۰	۱۰	۱۰	۶۱,۲۸	۸۴,۵۴	۸۱,۱	۵۷,۴	۵۴,۹۹	۴۴	۱۵۱
۵۷	۶۰	۹۰	۶۰	۷۴,۳۳	۸۰,۳۴	۹۹,۷	۸۰,۸	۸۰	۷۲,۲	۱۹
۴۸	۵۵	۵۰	۵۰	۷۳,۸۳	۷۴,۶	۹۹,۹	۸۱	۶۸,۴۸	۶۸,۳	۳۹
۵۴	۵۰	۶۰	۶۰	۷۴,۶۸	۶۰,۶۹	۹۸,۵	۸۳,۶	۵۵,۸۲	۶۷,۴	۴۲
۶۰	۵۰	۵۰	۳۰	۶۹,۳۸	۷۲,۰۹	۹۹,۸	۷۰,۸	۶۰	۶۲,۲	۶۶
۳۳	۵۰	۴۰	۳۰	۷۶,۶۶	۶۹,۰۹	۹۹,۷	۷۶,۸	۷۲,۲	۶۲,۸	۶۰
۷۶,۲	۴۰	۴۰	۳۰	۷,۰۹	۸۰,۲	۹۹,۹	۸۰	۴۷,۹	۶۲,۸	۶۲

منبع:

UNCTAD, Hand Book of Statistics 2006-2007.

جدول ۶. اندازه تجارت، صادرات و واردات کشورهای حوزه خلیج فارس طی سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۰

صادرات کالا به میلیون دلار- ۲۰۰۶	صادرات کالا به میلیون دلار- ۲۰۰۰	صادرات	شاخص صادرات	دولار-۲۰۰۰		شاخص واردات کالا به میلیون دلار- ۲۰۰۶	تجارت کالا ۲۰۰۶	شاخص تجارت کالا ۲۰۰۰	شاخص تجارت	سهم از تجارت	
				دولار-۲۰۰۰	دولار-۲۰۰۶						
۶۲۵۴۴	۲۸۲۴۵	%۲۲۷,۷۱	۴۰۵۰۷	۱۵۲۰۷	%۲۶۶,۳۷	۱۰۵۰۵۱	۲۳۵۵۲	%۲۴۱,۲۱	%۱۲,۷۷	ایران	
۱۲۰۰۶	۶۱۹۵	%۱۹۳,۸۰	۸۹۳۴	۴۶۳۳	%۱۹۲,۸۳	۲۰۹۴۰	۱۰۸۲۸	%۱۹۲,۳۹	%۲,۷۵	بحرین	
۵۸۲۲۷	۱۹۲۳۶	%۲۹۹,۵۸	۱۵۲۸۸	۷۱۵۷	%۲۱۴,۶۱	۷۳۵۱۵	۲۶۵۹۳	%۲۷۶,۴۴	%۹,۶۴	کویت	
۲۲۰۲۸	۱۱۳۱۹	%۱۹۶,۶۱	۱۰۵۸۵	۵۰۴۰	%۲۱۰,۰۲	۳۲۶۱۳	۱۶۳۵۹	%۱۹۹,۲۶	%۲,۲۸	عمان	
۲۵۷۲۶	۱۱۲۴۴	%۲۲۵,۱۹	۱۲۶۱۴	۳۲۵۲	%۳۸۷,۸۸	۳۸۳۴۰	۱۴۶۷۶	%۲۶۱,۲۴	%۵,۰۳	قطر	
۱۶۶۲۹۸	۷۷۴۸۱	%۲۱۴,۷۶	۶۳۴۷۸	۳۰۱۹۷	%۲۱۰,۲۱	۲۲۹۸۷۶	۱۰۷۶۷۸	%۲۱۲,۴۸	%۳۰,۱۴	عربستان	
	۴۹۸۷۸	%۲۷۵,۲۴	۱۲۶۰۲۳	۳۵۰۰۹	%۳۶۰,۰۰	۲۶۳۳۱۶	۸۴۸۸۷	%۳۱۰,۲۰	%۴۴,۵۳	امارات	

منبع:

IMF. Direction of Trade Statistics Quarterly, 2003 (<http://www.IMF.org>)

جدول ۷. درجه باز بودن اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس

درجه باز بودن اقتصاد	صادرات کالا به میلیون دلار-۲۰۰۵	واردات کالا به میلیون دلار-۲۰۰۵	GDP در ۲۰۰۵	
۴۵٫۸	۵۹۶۹۰	۳۹۵۶۲	۲۱۶۷۱۳	ایران
۱۳۱٫۶	۱۰۰۲۵	۷۵۴۰	۱۳۳۴۸	بحرین
۸۴٫۶	۴۵۱۷۸	۱۷۶۰۸	۷۴۲۱۴	کویت
۹۰٫۹	۱۸۶۹۲	۸۸۲۷	۳۰۲۶۹	عمان
۸۵٫۱	۲۵۷۶۲	۱۰۰۶۱	۴۲۱۱۳	قطر
۷۱٫۹	۱۶۶۳۹۸	۵۹۴۵۹	۳۱۴۰۲۱	عربستان
۱۵۵٫۵	۲۹۰۱۱۶	۹۱۶۶۰	۱۳۳۷۵۷	امارات

منبع:

OECD (2005), "Economic Globalization Indicators," The OECD Handbook on Economic Globalization Indicators, Organization for Economic Co-operation and Development, Paris.

جدول ۸. ساختار تجاری کشورها

صادرات کالای خام٪ از صادرات کل کالا			صادرات صنعتی٪ از صادرات کل کالا			
۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۹۲٫۶	۹۲٫۹	۹۰٫۹	۷٫۴	۷٫۱	۹٫۱	ایران
۹۲٫۳	۸۹٫۵	۸۱	۶٫۷	۱۰٫۵	۱۹	بحرین
۹۳٫۵	۹۴٫۱	۹۵٫۳	۶٫۵	۵٫۹	۴٫۷	کویت
۹۴٫۳	۸۱٫۶	۸۱٫۱	۵٫۷	۱۲٫۴	۱۳٫۹	عمان
۹۳٫۹	۸۹٫۸	۸۰٫۹	۶٫۱	۱۰٫۲	۱۹٫۱	قطر
۹۰٫۵	۹۲٫۷	۹۰٫۴	۹٫۵	۷٫۷	۱۱٫۶	عربستان
۸۰٫۸	۸۲٫۶	۸۰٫۹	۱۹٫۲	۱۷٫۴	۱۹٫۱	امارات

منبع:

WORLD DEVELOPMENT INDICATORS database, World Bank, Revised to September 2008.

جدول ۹. شاخص تنوع و تمرکز صادراتی و وارداتی کشورهای حوزه خلیج فارس

شاخص تنوع ۲۰۰۵	شاخص تمرکز ۲۰۰۵	شاخص تنوع ۱۹۹۵	شاخص تمرکز ۱۹۹۵	شاخص تنوع ۲۰۰۵	شاخص تمرکز ۲۰۰۵	شاخص تنوع ۱۹۹۵	شاخص تمرکز ۱۹۹۵	شاخص تمرکز ۱۹۹۵	شاخص تنوع ۱۹۹۵
۰٫۴۴	۰٫۱۱۳	۰٫۴۷۷	۰٫۰۸۳	۰٫۷۹۷	۰٫۷۹۳	۰٫۸۳۲	۰٫۸۲۵	ایران	
۰٫۵۹۱	۰٫۵۲۹	۰٫۵	۰٫۳۱۸	۰٫۸۵۱	۰٫۷۹۵	۰٫۷۷	۰٫۴۸۱	بحرین	
۰٫۴۳۴	۰٫۱۳۶	۰٫۲۹۳	۰٫۱۱	۰٫۷۴۱	۰٫۶۵۸	۰٫۸۴۵	۰٫۹۴	کویت	
۰٫۴۴۶	۰٫۱۰۶	۰٫۴۵۹	۰٫۰۹۹	۰٫۸۵۲	۰٫۵۶۸	۰٫۷۱	۰٫۷۶۶	عمان	
۰٫۲۵۳	۰٫۰۹۳	۰٫۴۶۲	۰٫۱۱۳	۰٫۸۵۲	۰٫۵۶۸	۰٫۸۳۷	۰٫۶۴۱	قطر	
۰٫۴۱۹	۰٫۱۲۱	۰٫۲۶۲	۰٫۰۶۲	۰٫۶۷	۰٫۴۱۲	۰٫۸۶۲	۰٫۷۲۶	عربستان	
		۰٫۲۶۲	۰٫۰۶۱			۰٫۶۹۹	۰٫۵۶۲	امارات	

منبع:

UNCTAD, Hand Book of Statistics 2006-2007

پاوققها:

1. S. Steven, "Economic Integration: Overview," *International Trade Theory & Policy Analysis*, The International Economic Study Centre, Washington D.C, 1997-2004, at: <http://internationalecon.com/v1.0/ch110/110c020.html>
2. N. Bourenane, "Theoretical and Strategic Approaches," *Regional Integration and Cooperation in West Africa*, International Development Research Centre, Ottawa, 1997;
 - K.T. Haile, "Regional Integration in Africa: A Review of the Outstanding Issues and Mechanisms to Monitor Future Progress a Draft Issues," Paper Presented at The African Knowledge Networks Forum Preparatory Workshop, Addis Ababa, Ethiopia, 17-18 August 2000;
 - A. Marchal, *Integration Territoriale*, Presses Universitaires Franc,aises, Paris,1965;
 - J. Viner, *The Customs Union Issue*, Carnegie Endowment for International Peace, New York, NY, Stevens & Sons, London, 1950.
3. N. Bourenane, op.cit.
4. B. Ousmane, "National Policies as Impediments to Regional Economic Integration," *Regional Integration and Cooperation in West Africa*, International Development Research Centre, Ottawa, 1997.
5. F. Avillez, T.J. Finan and T. Josling, "Trade, Exchange Rates, and Agricultural Pricing Policy in Portugal," *The Political Economy of Agricultural Pricing Policy World Bank*, Washington D.C, 1988;
 - D. Dollar, "Outward- Oriented Developing Economies Really do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976-1985," 1992;
 - A.O. Krueger, M. Schiff and A. Valdes, "Agricultural Incentives in Developing Countries: Measuring the Effects of Sectoral and Economy Wide Policies," *World Bank Economic Review*, 1988, Vol. 3 No. 2, pp. 225-71;
 - Y. Mundlak, D. Cavallo and R. Domenech, "Agriculture and Economic Growth in Argentina, 1913-84," *Research Report 76, International Food Policy Research Institute*, Washington D.C., 1989;
 - T.A. Oyejide, "The Effects of Trade and Exchange Rate Policies on Agriculture in Nigeria," *Research Report 55, International Food Policy Research Institute*, Washington D.C., 1968;
 - J.D. Stryker, "Trade, Exchange Rate, and Agricultural Pricing Policies in Ghana," *The Political Economy of Agricultural Pricing Policy, World Bank*, Washington D.C., 1990.
6. B. Ousmane, op.cit.
7. E. Berg, Applied Development Economics, Regionalism and Economic Development ins46ub-Saharan Africa, Vol. 1, Regional Co-Operation in Africa,

- United States Agency for International Development, Washington D. C., 1988;
- L. Mytelka, "Building Partnerships for Innovation: A New Role for South-south Cooperation," *Regional Integration and Cooperation in West Africa*, International Development Research Centre, Ottawa, 1997;
 - P. Robson, *Integration, Development and Equity: Economic Integration in West Africa*, Routledge, New York, NY, 1983;
 - UNCTAD, *Hand Book of Statistics 2006-2007*.
8. Z. Mosad, "Globalization and Economic Integration Among Arab Countries," Paper Presented at The 4th Nordic Conference on Middle Eastern Studies: The Middle East in Globalizing World, Oslo, 13-16 August 1998.
۹. سیدکمال طالبی و صالح طاهری، «بررسی اثرهای ایجاد هم‌گرایی اقتصادی بین ایران و اتحادیه‌های اقتصادی (رویکردی بر داده‌های تابلویی)»، مجله بر نامه و بودجه، شماره ۹۱؛
- میر عبدالله حسینی و تقی هومن، «مطالعه تطبیقی شاخصهای کلان اقتصاد بین الملل کشورهای عضو اکودر فرایند منطقه‌گرایی»، مجله دانش و توسعه، ۱۳۸۶، شماره ۲۰؛
 - میر عبدالله حسینی و وحید بزرگی، «شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی؛
- Cado Céline Carrère Vanessa Strauss Kahn and Olivier, "What's behind the Hump, Expert Meeting on Participation of Developing Countries in New and Dynamic Sectors of World Trade," *The South-South Dimension Geneva*, 16-17 October 2007, Export Diversification;
 - Hossain and Kamal Naser, "Trade and Regional Integration: Analysis of the Effectiveness in the GCC Amzad College of Business Administration," Al Ain University of Science & Technology;
 - Omar J. Khan, "The Effect of FDI Inflows and ICT Infrastructure on Exporting in ASEAN/AFTA Countries A Comparison with other Regional Blocs in Emerging Markets," Taewon Suh, Department of Marketing, College of Business Administration, Texas State University - San Marcos, San Marcos, Texas, USA;
 - Shahid Sid Diqi, "Strategic Geography and Strategic Corporate Challenges: A Regiocentric Perspective to the Middle East."; Somik Lall and Serdar Yilmaz, "Regional Economic Convergence: Do Policy Instruments Make a Difference?" 2000;
 - Wang Kangmao and Hu Chu, "Foresight, Convergence and Integration of East Asian Economies," *The Journal of Futures Studies, Strategic Thinking and Policy*, Vol. 2, No.1, 2000.
10. Second Session of the Project Working Group on Trade, "The Way to Modernize, Attract Investment and New Technologies," Berlin, Germany, 12 November 2000;
- Jeffrey D. Sachs and Andrew M. Warner, "Economic Convergence and Economic Policies," *NBER Working Paper*, No. 5039 (Also Reprint No. r 2002), Issued in September 1995.

11. Biman Chand Prasad The University of the South Pacific, Suva, Fiji Islands, John Asafu-Adjaye, Department of Economics, The University of Queensland, Brisbane, Australia, "Trade Liberalization and Environment in Pacific Island Countries (FICs): Is it a Case of Two Gains for One?";
- Christopher M. Dent, "Regionalism in Southeast Asia: Opportunities and Threats for the European Union,";
- Peter Drysdale and Andrew Elek, "The APEC Experiment: An Open Economic Association in the Asia Pacific," Australian National University International Journal of Social Economics.
12. Second Session of the Project Working Group on Trade. op. cit.
13. Frank McDonald and Giovanna Vertova, "Geographical Concentration and Competitiveness in the European Union."
14. Christopher M. Dent, op. cit.
۱۵. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین.
۱۶. همان؛ سید کمال طالبی و صالح طاهری، پیشین.
۱۷. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛
- Shahid Sid Diqi, op. cit.
۱۸. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛ سید کمال طالبی و صالح طاهری، پیشین؛
- Shahid Sid Diqi, op. cit.; Somik Lall and Serdar Yilmaz, op. cit.
۱۹. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛
- Shahid Sid Diqi, op. cit.
۲۰. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛ سید کمال طالبی و صالح طاهری، پیشین؛
- Shahid Sid Diqi, op. cit.; Somik Lall and Serdar Yilmaz, op. cit.
۲۱. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛
- Hossain and Kamal Naser, op. cit.; Omar J. Khan, op. cit.
۲۲. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین.
۲۳. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛ سید کمال طالبی و صالح طاهری، پیشین؛
- Somik Lall and Serdar Yilmaz, op. cit.
۲۴. همان.
۲۵. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛
- Wang Kangmao and Hu Chu, op.cit.
۲۶. میر عبداله حسینی و تقی هومن، پیشین؛ میر عبداله حسینی و وحید بزگی، پیشین؛
- Cado Céline Carrère Vanessa Strauss Kahn and Olivier, op. cit.